

آیا حادثه ۱۱ سپتامبر شرایط مالی جهان را تغییر داد؟*

مؤلفان: استیون بل، آدام زیت شیک و یوهانا کورکلوند
مترجم: میثم کبریایی

مقدمه

این مقاله تأثیر «حملات ۱۱ سپتامبر» را بر اقتصاد جهانی، بازارهای مالی و وضعیت ژئوپلیتیکی جهان بررسی می‌کند. در این گزارش میان تأثیرات موقت و دائمی تمایز قائل می‌شویم: چرا که در اقتصاد و بازار بررسی‌های دوره‌ای در مقابل بررسی‌های ساختاری قرار می‌گیرد. در بررسی‌های دوره‌ای و مقطعی، به هر دو پیامد کوتاه و بلندمدت توجه می‌شود.

در بخش بررسی‌های ژئوپلیتیکی، به این نتیجه می‌رسیم که این تأثیرات عمده و طولانی مدت خواهند بود. ائتلاف‌های جدیدی شکل گرفته‌اند و ائتلاف‌های قدیمی تحت فشار قرار دارند. سیاست خارجی آمریکا جهت‌گیری افراطی به خود گرفته است. هم‌اکنون سه بلوک - لیبرال - دموکراسی، جهان اسلام و چین - بر جهان سیطره دارند. اینکه توسعه اقتصادی صلح‌آمیز مشخصه چند دهه آینده باشد یا درگیری و رکود، به طور عمده به چگونگی تعامل این سه بلوک با یکدیگر بستگی دارد.

دیدگاه تجربی ما خوش‌بینانه است. علی‌رغم وجود نکات منفی مشخص نظیر احتمال شروع یک جنگ تجاری ناشی از تصمیم بوش برای اعمال تعرفه بر واردات فولاد، آماده شدن آمریکا برای حمله به عراق و احتمال حملات تروریستی بیشتر و دیگر درگیری‌های غیرقابل پیش‌بینی، نکات مثبتی نیز به چشم می‌خورد. هم‌اکنون شانس بیشتری وجود دارد که آمریکا ارتباطات سودمندی با چین برقرار کند، روسیه در حال تلاش برای پیاده کرده دموکراسی غربی است و تروریسم تهدید خارجی یکسانی برای حکومت‌های مسلمان و غربی محسوب می‌شود.

تأثیرات دوره‌ای حوادث ۱۱ سپتامبر به سرعت در حال کاهش است. تجارت جهانی، سرمایه‌گذاری و تولیدات اقتصادی از رکود رنج می‌برند و پیش از آنکه دیر شود باید روند پیشین خود را از سر گیرند. در شرایط عادی رشد سرمایه‌گذاری، تولیدات و تجارت جهانی زمینه‌ای

فوق العاده برای سهام است. اصلی ترین نگرانی ما در این مورد چگونگی و میزان سودها به ویژه در آمریکا است که رابطه چندانی با حوادث ۱۱ سپتامبر ندارد. در این گزارش ما به این نتیجه می رسیم که ۱۱ سپتامبر جهان را تغییر داده ولی در مورد بازارهای مالی، بر این باوریم که تاثیر زودگذر و مختصری بر جای گذارده است.

الف. چرخه اقتصادی

حتی قبل از ۱۱ سپتامبر نیز مشخص بود که کاهش رشد اقتصادی آمریکا در سراسر جهان تعمیق و گسترش می یابد. این حملات پیام هشدار دهنده ای برای شرکت های تجاری بود تا به کاهش موجودی ها، سرمایه و استخدام سرعت ببخشند.

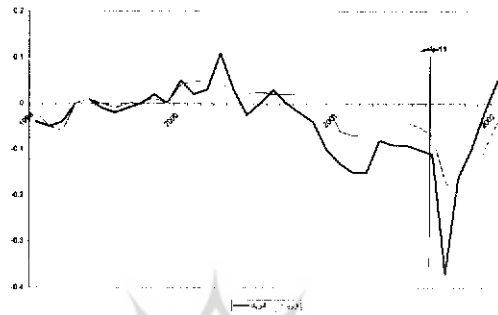
رشد اقتصادی جهان در سال گذشته پایین تر از دو درصد بود. این به معنای آن است که سال ۲۰۰۱، به سال های ۱۹۷۵ و ۱۹۸۲ به عنوان سال های نادر رکود جهانی ملحق می شود. سال ۲۰۰۲ با توجه به شروع ضعیفش می تواند حتی با فرض بهبود شرایط در طول سال، از نظر میانگین تولید ناخالص داخلی، سال دیگری از رکود باشد این حالت بدترین عملکرد دو ساله در بیش از یک نسل گذشته خواهد بود.

هنوز مشکل است که ۱۱ سپتامبر را در این وضعیت نگران کننده مقصر بدانیم. آمریکا در میان اقتصادهای عمده بیش ترین تاثیر را از این حوادث پذیرفته است. با این وجود رکود خفیفی داشته است. ویژگی غیرمعمول رکود کنونی این است که نزدیک به تمامی کشورها از آن رنج می برند و حتی ژاپن - بازیگری قوی در رکودهای پیشین - هم اکنون دچار رکود شدیدی است.

تحلیل اقتصاد ژاپن بدون شک بسیار دشوار است و باید با همه پیش بینی ها با احتیاط برخورد کرد. مشکلات ساختاری جدی وجود دارد که باید حل شود. حتی زمانی که راه حل هایی مانند تجدید سازمان دهی بانک ها و شرکت های ورشکسته عملی است، اثر فوری آنها کاهش مخارج مردم به سبب از دست رفتن شغل و دارایی هایشان خواهد بود. با وجود آنکه نگاه میان مدت ناامید کننده است، از نظر چرخه اقتصادی روزنه های امید وجود دارد. میزان موجودی ها در همه کشورها بر دوره های اقتصادی تسلط دارد. اگرچه وضعیت اکثر شاخص های اقتصادی در ژاپن ضعیف است، آمار موجودی های آن بهترین شرایط را در جهان داراست. هم اکنون علایمی از بهبود شرایط به چشم می خورد که با توجه به بدبینی جهانی موجود در بین صاحب نظران می تواند شگفتی را در پی داشته باشد.

ب. واکنش اقتصادی

نمودار زیر برآورد درآمد شرکت‌ها را نشان می‌دهد. داده‌ها بر مبنای برآورد درآمدهایی است که به وسیله تحلیلگران برای هر شرکت جداگانه تهیه شده است. در هر ماه با محاسبه تعداد داده‌های صعودی، آن را از تعداد داده‌های نزولی کم کرده و نتیجه را به صورت نسبت بر کل بیان می‌کنیم.



نتیجه حاصله تصویر روشنی از سود در آینده ترسیم می‌کند. به طور معمول زمانی که چشم‌انداز تغییرات درآمدها بالا می‌رود بازارها سیر صعودی پیدا می‌کند حتی اگر در منطقه منفی باقی بمانند.

تحلیل‌گران برآوردهای خود از درآمد را در دوره پس از حملات پایین آوردند، اما بهبود شرایط، شگرف و به همان اندازه سریع بود؛ این تغییرات هم اکنون با توجه به ادامه بهبود اوضاع اقتصادی به سمت منطقه مثبت در حال حرکت است. اما این داده‌ها تنها به برآوردهای دوازده ماه آینده اشاره دارد. برآوردها از درآمد هر سهم در سال ۲۰۰۲ بر اساس شاخص S&P500 (یکی از شاخص‌های مشهور بورس نیویورک) در مقایسه با ۶۱ دلار قبل از حملات به ۵۲ دلار سقوط کرده است.

برای قضاوت در مورد تاثیر حوادث یازدهم سپتامبر بر میزان اعتماد عمومی و مخارج، ما تمام بحران‌های قبلی که شاخص داوجونز^۱ آمریکا را در یک روز ۵ درصد یا بیشتر کاهش داده بودند مدنظر قرار دادیم. سپس در ماه‌های قبل و بعد از این بحران شاخص‌های مدیریت عرضه آمریکا - شاخص مشهور مخارج شرکت‌ها که اقتصاد را از نزدیک رهگیری می‌کند - ترسیم کردیم. این نتایج نشان می‌دهد که این بحران‌ها به طور مشخص مؤثرند، اما اگر اقتصاد در حال ضعف باشد همین تاثیر می‌تواند بسیار قوی‌تر عمل کند.

۱. یکی از شاخص‌های اصلی بورس آمریکا

بانک‌های مرکزی نیز به حوادث ۱۱ سپتامبر به سرعت واکنش نشان دادند. بانک مرکزی فدرال آمریکا نیز به شدت از خود واکنش نشان داد و پس از این حملات نرخ بهره را در مجموع ۱/۳ درصد کاهش داد. بانک مرکزی اروپا (ECB) این نرخ را درست قبل از یازدهم سپتامبر ۱/۴ درصد کاهش داده بود. ولی دو کاهش دیگر نیز هر کدام به اندازه ۱/۲ درصد پس از این حوادث صورت داد. کمیته بانک مرکزی انگلیس محتاطانه‌تر برخورد کرد و تنها به دو کاهش ۱/۲ درصدی اکتفا کرد. ولی پس از آن در ماه نوامبر با یک کاهش ۱/۲ درصدی به دیگران رسید. بانک مرکزی ژاپن آنچه را که می‌توانست انجام داد ولی با نرخ بهره‌ای حدود صفر درصد عمده ذخائر این بانک مصرف شد.

تمامی این اقدامات به آرامش بازارهای مالی کمک کرد ولی در آمریکا و انگلیس مصرف کنندگان نیز از خود واکنش نشان داده‌اند. علی‌رغم مرگ و نابودی‌ای که این مصرف کنندگان بر صفحه تلویزیونهای خود مشاهده کردند، مردم عادی از مزایای اعتبار ارزان بهره جستند. مصرف کنندگان آمریکایی در ماه اکتبر تعداد بی‌سابقه‌ای ماشین خریداری کردند و می‌توانستند معاملات خود را با بهره صفر درصد تامین مالی کنند. بهبود شرایط رهن نیز افزایش بی‌سابقه این نوع معاملات را در پی داشت.

الگوی مشابهی در انگلیس دیده شد. در این کشور در حالی که اکثر صاحب‌نظران انتظار یک رکود اقتصادی را داشتند، قیمت مسکن و اعتبارات اختصاص یافته به مصرف کنندگان افزایش یافت. مصرف کنندگان در دیگر اقتصادهای عمده هیچ واکنش مشابهی از خود نشان ندادند. در ژاپن و منطقه یورو مخارج مصرف کنندگان پایین باقی ماند. اما این عملکرد تداوم روندهای موجود بود: هیچ دلیلی وجود ندارد که ۱۱ سپتامبر تاثیر کند کننده‌ای داشته است. در مقابل حداقل بخشی از مخارج بیش از اندازه مصرف کنندگان در انگلیس و آمریکا از کاهش نرخ بهره ناشی می‌شود. اقتصاددانان اغلب هشدار می‌دهند که فاصله زمانی میان اعمال سیاست‌های پولی و تاثیر آن بر اقتصاد طولانی و متغیر است. در این مورد این تاثیرات فوری بود.

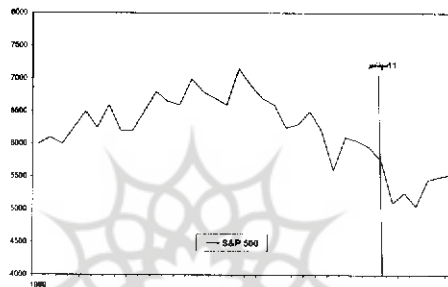
ج. بازارها

بازارهای بورس جهان در ۲۱ سپتامبر به پایین‌ترین حد خود رسیدند و این بازارها سال ۲۰۰۱ را در عمل بالاتر از سطحی که قبل از حملات قرار داشتند به پایان رساندند. ولی ارزش سهام پایین باقی ماند و علیرغم افزایش نشانه‌های بهبود وضعیت اقتصادی، ارزش سهام در هفته‌های آغازین سال ۲۰۰۲ افزایش نیافت.

این وضعیت ارزش سهام به نظر غیرعادی می‌رسید و بعضی از مفسران بورس را بر آن داشت

که موضوع بی‌ثباتی شدید در اعتماد عمومی پس از یازدهم سپتامبر را مطرح کنند. اما تعبیر ما از این شرایط کمی متفاوت است. در حقیقت بازارها به تغییرات اساسی در شیوه ارزش‌گذاریها واکنش نشان دادند.

مدل ارزیابی ما که بر حسب احتمالات بیان شده نشان می‌دهد که سهام قبل از یازدهم سپتامبر گران بود، کاهش درآمد شرکتها، تاثیر سودآوری قیمت پایین‌تر سهام و اوراق قرضه را از بین برد. به هر حال در طول ماه سپتامبر، نرخ بهره ده درصد کاهش یافت. (به عبارت دیگر از ۵ درصد به ۴/۵ درصد رسید.) این مدل نشان می‌دهد که سهام در مقایسه با اوراق قرضه بسیار ارزان هستند. (نمودار را ببینند.)



سهام در ماههای اکتبر و نوامبر جان تازه‌ای به خود گرفتند و بازده اوراق قرضه نیز افزایش یافت. از آن پس ارزش‌گذاری سهام به طور مشخصی بدتر شد و نباید تعجب‌آور باشد که سهام با اوراق قرضه در ماههای ژانویه و فوریه رقابت می‌کرد. نتایج مشابهی با ابزارهای ارزیابی قدیمی‌تر مانند مدل نسبت بازده اوراق قرضه بر سهام نیز بدست می‌آید.

مهمترین نااطمینانی در طول این دوره به درآمد مربوط می‌شود و ما انتظار داریم که این نااطمینانی ادامه پیدا کرده و بر دورنمای بازار مسلط شود. هیچ‌کدام از این مسایل ارتباط چندانی با یازدهم سپتامبر ندارد. سودها در رکودهای جهانی به شدت سقوط می‌کند. تابستان ۲۰۰۱ در میان سالهای کاهش درآمدها برحسب شاخص S&P بدترین سال در پنجاه سال گذشته بود.

حتی اگر این چرخه همانطور که ما انتظار داریم به طرف بالا برگردد و افزایش سودها از سرگرفته شود نگرانیهای جدیدی در مورد سطح شروع ظاهر می‌شود. بحران شرکت افرون می‌تواند نشانه خوبی برای پایان بازار پیش فروش سهام باشد ولی ما تا زمانی که در باره «حسابداری ساختگی» به طور کامل اطمینان نیابیم نگران باقی می‌مانیم.

اکثر تحلیلگران به یازدهم سپتامبر بیش از اندازه واکنش نشان دادند. این مساله تا اندازه‌ای واکنش طبیعی در مقابل ترس ناشی از حملات بود و همچنین تا حدودی جبران گذشته بود. تحلیلگران شرایط وخیمی را که پیش از یازدهم سپتامبر به وجود آمده بود به طور کامل منعکس

نکردند. اگر در آینده عملیات تروریستی دیگری داشته باشیم می‌توانیم امیدوار باشیم که واکنش آنها معتدل‌تر باشد.

د. ژئوپلتیک

روابط بین‌المللی در ۵۰ سال گذشته متأثر از تنش‌های میان کمونیست و سرمایه‌داری بوده است. این موضوع بخش زیادی از بودجه کشورها را به بخش دفاعی اختصاص می‌داد و منجر به درگیری‌های کوچک و بزرگ می‌شد. همانگونه که در قسمت بعد به آن خواهیم پرداخت، اگر چه افزایش هزینه‌های دفاعی زمینه ترقی موقت اقتصادی را فراهم می‌کند، اما تاثیر بلندمدت آن ایجاد مانع در مقابل قدرت تولید بخش خصوصی و عقب‌نگه داشتن بازارهای بورس است. البته جنگ اثرات تخریبی بیشتری بر بازارها و قدرت تولید اقتصادی دارد و فقط افزایش هزینه‌های دفاعی از سوی هر کشوری به تنهایی ریسک حملات خارجی را کاهش می‌دهد. اما جنگ سرد مستلزم اختصاص هرچه بیشتر مخارج به بخش دفاعی بود که در مقایسه با شرایط زمان صلح برای اقتصاد زیان‌آور است. از این گذشته، تنش‌های سیاسی، حل اختلافات تجاری و مقاومت در برابر فشارهای حمایت‌گرایانه را مشکل‌تر می‌کند. مساله اساسی این است که آیا «مزیت صلح» که پس از پایان جنگ سرد به وجود آمده بود، بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر از بین رفته است؟

به عنوان تحلیل‌گران بازار، ترجیح می‌دهیم که داده‌های کمی در اختیار داشته باشیم که در این حیطه می‌تواند بسیار دشوار باشد. تحقیق انجام شده به وسیله ماتئوویات، یک محقق مستقل، از این جهت فوق‌العاده جالب است. ما بر مبنای داده‌های وی به ترسیم نقشه‌ای از تحول حکومت‌های ملی در طی ۱۰۰ سال گذشته پرداخته‌ایم. این نقشه نشان می‌دهد که تعداد نظام‌های دیکتاتوری و لیبرال دموکراسی در فاصله بین سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۶۰ کم و بیش افزایش یافته است. در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی شاهد موجی از حکومت‌های دیکتاتوری و در مقابل کم‌رنگ شدن نقش لیبرال دموکراسی بودیم. فرایندی که تاکنون نتایج تاسف‌باری را در پی داشته است. به نظر معقول است که افغانستان را یک کشور در حال گذار از یک نظام تک‌حزبی به دموکراسی بدانیم. اگر ایالات متحده حملات موفقیت‌آمیزی به کشورهای «محور شرارت» داشته باشد این کشورها نیز می‌توانند این راه را طی کنند.

با نگاهی به نقشه سیاسی دهه‌های ۵۰ و ۹۰ میلادی می‌توانیم تغییرات ژئوپلتیکی جهان را با جزئیات بیشتری ببینیم. بر این اساس گرایش ساختاری که مطلوب بازارهاست به آرامی افزایش یافته است. ما نمی‌خواهیم این بحث را بیش از این ادامه دهیم - بسیاری از بازارهای سهام در شرایط لیبرال دموکراسی سقوط کرده‌اند در حالی که برخی دیگر از این بازارها، به ویژه در آسیا،

در حکومت‌های دیکتاتوری موفق عمل کرده‌اند - این نتایج و سوسه‌انگیز است. تاکنون دست‌کم، بسیاری از واکنش‌های سیاسی فوری به حوادث ۱۱ سپتامبر از بین نرفته است. جرج بوش رئیس جمهوری که در مقایسه با هم‌تایان پیشین خود سعی می‌کرد کمتر در مسائل دیگر کشورها مداخله کند، اولین «نطق وحدت» خود را به مسائل بین‌المللی اختصاص داد. بوش هم‌اکنون تلاش‌های خود را بر افزایش هزینه‌های دولت نه تنها در سال ۲۰۰۲ بلکه در دهه آینده برای مبارزه با تروریسم جهانی متمرکز کرده است. او نمی‌خواهد تجربه پدرش (بردن جنگ و از دست دادن انتخابات بعدی) را تکرار کند. برای کشوری که به طور معمول صرف بودجه دولت برای خدمات عمومی را نوعی هدر دادن دلارهای مالیاتی می‌دانند، هم‌اکنون زبان سیاسی جدید جالب توجه است. مخالفان افزایش هزینه‌ها به عنوان بهانه‌گیری ضدملی شناخته می‌شوند و نیروهای نظامی و آتش نشانان قهرمانان ملی‌اند. «جعبه بسته» امنیت ملی باز شده و میلیاردها دلار مازاد بر بودجه برنامه‌ریزی شده مصرف شده است، و این در حالی است که آمریکا دوره جدیدی از کسری بودجه را به سبب هزینه‌های نظامی آغاز کرده است.

آمریکا مشروعیت و اعتماد عمومی جدیدی در مداخلات بین‌المللی بدست آورده است. یک سیاست کنشگرانه برای برخورد با سلاحهای کشتار جمعی به روشنی بیان می‌شود. احتمال دارد آمریکا به اقدامات جنگ طلبانه و شاید یک جانبه علیه لیستی از کشورها شامل عراق، ایران و کره شمالی دست بزند. به نظر می‌رسد که آمریکایی‌ها به عراق حمله خواهند کرد. احتمال کمتری وجود دارد که کره شمالی یا ایران نیز مورد حمله قرار گیرند. اما این ارزیابی می‌تواند در صورت موفقیت آمریکا در عراق تغییر کند. خارج از آمریکا بسیاری از کشورها نگرانی خود را در مورد این نوع عملیات ابراز خواهند کرد حتی اگر به طور جداگانه اطمینان بیابند که شخص دیگری «کار کیف» آنها را برایشان انجام می‌دهد. خطر بروز یک حادثه غیرمنتظره وجود دارد و تجربه ویتنام هنوز به طور کامل فراموش نشده است. بنابراین در واشنگتن یک بحث جدی بر سر امکان موفقیت بیشتر حملات نظامی درگرفته است.

برخی ملت‌ها و گروه‌های تروریستی ممکن است درصدد انتقام برآیند. این خطر با بحرانی‌تر شدن شرایط درگیری‌های اسرائیل و فلسطینیان تشدید خواهد شد. نگرانی‌هایی که در مورد استفاده بیش از اندازه آمریکا از برتری نظامی وجود دارد می‌تواند منجر به مسابقه تسلیحاتی جدیدی شود، با این وجود نشانه‌های اولیه‌ای وجود دارد که چین (به عنوان مهمترین رقیب آمریکا در این زمینه) بر مسایل سیاسی منطقه‌ای و ارتقاء سطح اقتصادی خود متمرکز باقی می‌ماند. روسیه دیگر رقیب آمریکا نه قادر است و نه می‌خواهد که نقش ابرقدرتی گذشته خود را از سرگیرد. از زمان پوتین این کشور به طور مشخص در جهت ایجاد نمونه غربی لیبرال دموکراسی حرکت کرده

است. او در طول جنگ آمریکا در افغانستان روحیه همکاری عالی از خود نشان داد. اگرچه نگرانی‌هایی وجود دارد که پوتین به دلیل این اقداماتش از طرف غرب پاداش نگرفته و بسیار جلوتر از نخبگان و افکار عمومی روسیه حرکت کرده است. در جهان اسلام غیر از کشورهای خلیج فارس - که افراطی‌گری برای آنها به اندازه دیگران خطرناک است - اتحاد و منابع مالی لازم برای به وجود آوردن یک تهدید نظامی جدی وجود ندارد. حمایت حکومت پاکستان از جنگ در افغانستان تنش‌های جدی را در داخل این کشور به وجود آورد که می‌توان گفت به کشمیر نیز کشیده شد. هند تنش‌های جدیدی را میان هندوها و مسلمانان تجربه می‌کند. بنابراین مسلمانان در سرتاسر جهان، به ویژه در کشورهایی که در اقلیت هستند، احساس می‌کنند که نسبت به آنها سوء تفاهم شده و قربانی حوادث ۱۱ سپتامبر شده‌اند.

حمله به عراق ممکن است تنش‌های موجود در داخل جهان اسلام از جمله خلیج فارس را تشدید کند. هنوز هم چین و جهان اسلام از همکاری و همراهی با آمریکا، که به عنوان رهبر بلوک لیبرال دموکراسی در جهان بدون رقیب باقی خواهد ماند، منافع بیشتری به دست می‌آورند. پیامد جدی‌تر یازدهم سپتامبر بر جغرافیای سیاسی جهان، این تصور در حال رشد است که «جنگ با تروریسم» تنها درگیری میان دولتها نیست. همواره افراطیونی وجود دارند که حاضرند برای هدف خود بمیرند. تکنولوژی مدرن نیز به تروریست‌ها امکان دستیابی به سلاح‌های خطرناکی را داده است. این سلاح‌ها هم اکنون شامل هواپیماهای پراز سوخت، بمب‌های هسته‌ای کثیف (مخلوطی از مواد رادیو اکتیو و مواد منفجره متعارف)، گاز اعصاب و سلاح‌های بیولوژیکی می‌شود. منطق قدیمی جنگ سرد یعنی نابودی حتمی هر دو طرف در صورت حمله یکی از دو ابرقدرت به دیگری در مقابل گروه‌هایی که عملیات‌های انتحاری آنها با استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی به اندازه یک چمدان به طور مستقل صورت می‌گیرد کاربرد ندارد. حملات یازدهم سپتامبر نمونه موفقیت‌آمیز و هولناکی از این نوع تروریسم بود. البته در سالهای ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ سیستم راه‌آهن ژاپن به وسیله حملاتی که با گازسارین صورت گرفت از کار افتاد. حمله به متروی توکیو دوازده کشته و بیش از ۵ هزار نفر مجروح بر جای گذاشت. در مائسو موتو هفت نفر کشته و ۱۴۴ نفر نیز مجروح شدند.

این شرایط برای بازارها و اقتصادهای مختلف ایجاد نااطمینانی می‌کند و نگرانی‌های جدی را در مورد اینکه «هدف بعدی کجاست؟»، برمی‌انگیزد. با این وجود حکومتها، شرکتها و افراد می‌توانند از خود دفاع کنند. تکنولوژی‌های جدید کارآمدی مکانیسم‌های دفاعی سنتی را در مقابل شورش و تروریسم به طور گسترده‌ای افزایش داده است؛ ممانعت خبری. یکپارچگی مالی جهان و جلوگیری از «پول شویی» شیوه‌هایی را فراهم کرده است که امکان می‌دهد از آنها برای

جنگ علیه تروریسم استفاده شود. این جنگ آغاز شده ولی نتایج آن هنوز مشخص نیست. این جنگ دست کم به معنای اختصاص منابع بیشتری به مبارزه با تروریسم و به مبارزه با ریشه‌های آن است. در طول زمان اگر جنگ کنونی به شکل مطلوب ادامه پیدا نکند، بازارها به طور منفی تحت تاثیر قرار خواهند گرفت ولی اگر این جنگ به شکل مثبتی پیش برود برای بازارها بسیار اطمینان بخش خواهد بود.

به طور معمول رکود باعث به وجود آمدن جنگهای تجاری می‌شود ولی در رکود جهانی کنونی عدم وجود اختلاف جدی در این زمینه امیدوارکننده است. این شرایط تا اندازه‌ای بازتاب روندهای ساختاری مثبت در جغرافیای سیاسی جهان است که پیش از این در مورد آن بحث کردیم. در اینجا سؤال این است که آیا بیانیه اخیر جورج بوش در مورد امتیاز فولاد باعث به راه افتادن جنگ تجاری بزرگی می‌شود؟ ما به طور قطع معتقدیم که این یک تصمیم نادرست اقتصادی بود که نشان دهنده منافع سیاسی کوتاه‌بینانه است. این تصمیم تلاشهای پاسکال لامی، کمیسر تجاری اتحادیه اروپا برای اعمال تحریمهای محدودتری علیه آمریکا در یک اختلاف تجاری دیگر را مختل کرده است. دیگر کشورها در مقابل آمریکا مقابله به مثل خواهد کرد. اما در هر صورت معتقدیم که اجازه داده نخواهد شد که شرایط بحرانی شود.

۹ مسایل ساختاری اقتصادی

آمریکا هم‌اکنون برای سومین بار در طول پنجاه سال گذشته افزایش تجهیزات نظامی خود را آغاز کرده است. دو تحول در تجهیزات نظامی آمریکا، توسعه اقتصادی را پس از دوره‌ای طولانی از ضعف و رکود به همراه داشت. پیش‌بینی‌ها حکایت از آن دارند که مخارج نظامی در سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ اگر برحسب دلار با توجه به نرخ تورم تعدیل شوند با حداکثر مخارج در اواخر دهه شصت و اواسط دهه هشتاد میلادی قابل مقایسه خواهند بود. البته سهم این مخارج در میزان تولید ناخالص ملی آمریکا بسیار کمتر است. بر این مبنا خطر بالقوه‌ای که برای میزان تولید وجود دارد، جدی ولی مهارشدنی است.

رونق سرمایه‌گذاری در دهه نود مشکلاتی در مورد تولیدات بیش از حد و سوء مدیریت مشخص در بعضی از مخارج را در پی داشت. ولی این سرمایه‌گذاری‌ها سطح تولید آمریکا را رونق زیادی داد. میزان سرمایه‌گذاری هم‌اکنون از سطوح بسیار بالای خود پایین آمده است. در عمل ۱۱ سپتامبر بدون شک این روند نزولی را تقویت کرد و ضعف اخیر در بازارهای اعتباری، آن را بیش از پیش تشدید کرد. اما تجربه گذشته نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در مجموع بهبود شرایط اقتصادی را ولو با تاخیر در پی خواهد داشت.

میزان تولیدات به طور معمول در شرایط رکود اقتصادی کاهش می‌یابد. بنابراین وضعیت آمریکا در این زمینه در طول سال گذشته جالب توجه است. این وضعیت به احتمال فراوان مؤید نکته بالا است: ممکن است سرمایه‌گذاری کاهش یابد ولی این کاهش از سطح بالایی تولید خواهد بود. بهترین حدس ما آن است که آمریکا تنها الگوی بلندمدت دودرصد افزایش تولید را ادامه خواهد داد. این میزان رشد بسیار کمتر از پیش‌بینی‌های خوشبینانه‌تری است که در طول رونق اقتصادی چندسال اخیر به دلیل پیشرفت تکنولوژی ذکر می‌شد ولی با این وجود بهتر از عملکرد دهه هفتاد و هشتاد میلادی است.

با در نظر گرفتن افزایش حدود یک درصدی سالانه نیروی کار، میزان رشد سالانه تولید ناخالص ملی به سه درصد می‌رسد. ما می‌توانیم پیامدهای یازدهم سپتامبر را بر رشد جهانی و تجارت بین‌المللی به روشهای مختلفی بررسی کنیم. مسافرتهاى هوایی یکی از این زمینه‌ها است که به ویژه شاخص حساسی محسوب می‌شود. میزان سود و قیمت سهام این بخش در کسادى باقی مانده ولی تعداد مسافران بهبود قابل توجهی یافته است. برای ارزیابی کلی‌تر روندهای جهانی‌سازی می‌توانیم میزان تجارت جهانی و تولیدات ناخالص ملی را در نظر بگیریم.

